



COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

The Strategy of the Enemy in the Cognitive War in the Field of Governance

Mahmoud Keshavarz *

E-mail: sardarbipelak@yahoo.com

Received: 2024/01/01

Revised: 2024/07/23

Accepted: 2024/07/30

Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.433463.1557

Abstract:

The realization, continuation and sustainability of the Islamic revolution has had many achievements in the world. One of the most important achievements is the intellectual challenge of the secularist system and the revival of religious thinking. The religious nature of the Islamic Republic system has created fear in the enemy and caused the arrogant powers to consider the existence of the Islamic Republic system as a threat and think of confronting it comprehensively. One of the problems facing the enemies, which is rooted in their cognitive-perceptual thinking and causes disruption in the intellectual system, is raising doubts about the inefficiency of religion, governmental jurisprudence and conflict with management models and inducing conflict with human-centricity. All the enemy's efforts in these years have been to use their efforts to coordinate operational measures through infiltrating the infrastructure of various fields in the country. The author is trying to deal with the confrontation against the Islamic Republic of Iran in the field of information by examining the strategy of the enemy's efforts in the cognitive war. The type of research is descriptive-analytical and the data statistics are formed based on library studies and its results help to make appropriate decisions about the enemy's psychological operations and reduce the damages resulting from disruptions in the computing system of officials and people by benefiting from media-propaganda power and also, proportionate, coherent and intelligent planning helps to disrupt the equations of the enemies in the field of governance and, accordingly, countermeasures to neutralize the advances.

Keywords: Strategy, enemy strategy, Cognitive Warfare, Governance Field, Cognitive Components.

* Assistant Professor of Maaref Education, Islamic Revolution, Shahid University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

راهبرد دشمن در جنگ شناختی در عرصه حاکمیتی

نوع مقاله: پژوهشی

محمود کشاورز*

E-mail: sardarbipelak@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۹

چکیده

تحقق، استمرار و استدامت انقلاب اسلامی دستاوردهای فراوانی در سطح جهان داشته است. یکی از مهم‌ترین دستاوردها، چالش اندیشه‌ای نظام سکولار و احیای تفکر دینی است. ماهیت دینی نظام جمهوری اسلامی باعث ایجاد ترس در دشمن گردیده و سبب شده قدرت‌های استکباری - مکتبی، وجود نظام جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک تهدید به‌حساب آورده و به فکر مقابله همه‌جانبه با آن بیفتند. یکی از مسائل مقابله‌ای دشمنان که ریشه در تفکرات شناختی - ادراکی آنان داشته و باعث ایجاد اختلال در نظام فکری می‌شود، طرح شبهات پیرامون ناکارآمدی دین، فقه حکومتی و تعارض با مدل‌های مدیریتی و القای تضاد با محوریت انسان است. تمام سعی دشمن در این سال‌ها بر این بوده که از طریق نفوذ به زیرساخت عرصه‌های مختلف در سطح کشور، تلاش خود را جهت هماهنگی اقدامات عملیاتی به‌کار گیرد. نگارنده در تلاش است با بررسی راهبردی تلاش دشمن در جنگ شناختی به مواجهه علیه جمهوری اسلامی ایران در عرصه حاکمیت بپردازد. نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است و احصای داده‌ها بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای شکل گرفته و نتایج آن سبب تصمیم‌گیری متناسب پیرامون عملیات روانی دشمن و کاهش آسیب‌های حاصل از ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مسئولان و مردم با بهره‌مندی از قدرت رسانه‌ای - تبلیغی و همچنین، برنامه‌ریزی متناسب، منسجم و هوشمند نسبت به برهم زدن معادلات دشمنان در عرصه حاکمیت و به‌تبع آن، اقدامات تقابلی به جهت خنثی‌سازی پیشروی‌ها است.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، راهبرد دشمن، جنگ شناختی، عرصه حاکمیتی، مؤلفه‌های شناختی.

مقدمه و طرح مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان تنها انقلاب دینی در بین انقلاب‌های بزرگ جهان، باعث تزلزل در نظریات مختلف فکری و سیاسی شد. نظم جدید شکل گرفته و به‌تبع آن، تغییرات بنیادین ایجاد شده بر مبنای آموزه‌های بلند شیعی باعث ایجاد بالندگی در انقلاب اسلامی شده و نقش تحول‌آفرینی تاریخ‌ساز را برای انقلاب به ارمغان آورده است. این انقلاب با ویژگی ضداستعماری خود توانست منافع دشمنان نظام اسلامی را از بین ببرد و آنان کوشیدند با طراحی نقشه‌های جدید و شگردهای متفاوت، از جمله جنگ شناختی، عوامل اصلی پیروزی و استمرار حاکمیت اسلامی یعنی نقش ولایت فقیه و مدیریت کلان را در جامعه کم‌رنگ کنند تا با ایجاد فاصله بین مردم و رهبری جامعه و تغییر آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه به هدف نهایی خود که از بین رفتن حاکمیت ولایی است دست یابند. دشمن همواره به این حقیقت رسیده است که دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تسلط فرهنگی نیازمند تغییر در سلول بنیادین نظام یعنی رهبری جامعه و کم‌رنگ نمودن نقش محوری ولایت فقیه در جامعه است.

مقام معظم رهبری ضمن حفظ آمادگی و هوشیاری در مقابله با دشمن می‌فرمایند: «به همان نسبتی که آن‌ها روش‌ها را پیچیده‌تر می‌کنند، ملت ایران بایستی هوشیاری‌اش را بیشتر کند، جوان‌ها بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند؛ نه آمادگی جنگی، چون بحث جنگ نظامی حالا نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا لازم است؛ اما عمده آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی است؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی، حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه‌ی ملت و دولت، شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی» (حسینی خامنه‌ای، بیانات در ۱۳۷۶/۰۹/۰۵).
 بدیهی است به جهت برنامه‌ریزی و تعیین سیاست‌های مقابله‌ای، ناگزیر به شناخت دشمن، تعیین راهبردها، اهداف و روش‌های آن و به‌طور کلی، شناسایی تهدیدات پیش روی انقلاب اسلامی و مدل حکومت اسلامی و سپس اقدامات لازم در جهت مقابله هستیم.

اهمیت، اهداف و فرضیه پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرات راهبردی دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران در عرصه حاکمیتی در جنگ شناختی است و این مهم به ثمر نمی‌رسد مگر با تبیین و تحلیل تطبیقی و مؤلفه‌های شناختی دشمن در این عرصه.

پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که راهبرد دشمن در جنگ شناختی در عرصه حاکمیتی کدام است؟ و برای پاسخ‌گویی به این پرسش نیازمند سؤالات فرعی دیگری نیز هستیم که عبارت‌اند از:

- سیاست‌های راهبردی دشمن علیه انقلاب اسلامی در جنگ شناختی چیست؟
- مواجهه دشمن در عرصه حاکمیتی از منظر مؤلفه‌های شناختی کدام است؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و کاربردی بودن بحث در دو سطح قابل ارزیابی است:

- ۱- پژوهش‌های مشابه پژوهش حاضر، یعنی پژوهش‌هایی که به بررسی ابعاد مختلف جنگ شناختی و تأثیرگذاری بر جامعه هدف یعنی مدیریت کلان نظام می‌پردازد.
- ۲- پژوهش‌های صورت گرفته درباره ابعاد مختلف جنگ شناختی به جهت انهدام ارزش‌ها و باورها که به‌طور ضمنی، حاوی دلالت‌هایی در مسئله تحقیق حاضر است. با توجه به نوپدید بودن این بحث و تحقیقات میدانی صورت گرفته در سطح نخست، باید گفت بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با زوایای جنگ شناختی و ترجمه‌های پدیدآمده از مقالات حول این محور با نگرش نظامی صرف، تاکنون پژوهش مستقل و یا جامعی در رابطه با موضوع تحقیق حاضر صورت نگرفته است و پژوهشگران توجه چندانی به این مسئله نداشته‌اند. سطح دوم، پژوهش‌هایی در ابعاد مختلف نفوذ به جهت انهدام ارزش‌ها و باورها است که به‌طور ضمنی، حاوی دلالت‌هایی در مسئله تحقیق حاضر است. از کتب و مقالاتی که در این حوزه تألیف شده، مقاله «رهیافت سطح شناختی در مطالعه اهداف جنگ نرم» از قاسم علیدوستی (۱۳۹۰) است که به نوع نبرد، عناصر و چهارچوب‌های قدرت نرم، جنگ نرم و مقایسه آن با جنگ سخت پرداخته و به حوزه نفوذ در ادراک و اتخاذ راهکارهایی در سه حوزه راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی پرداخته است. همچنین، مقاله «تبیین نظام مقابله با جنگ نرم و اصول حاکم بر افسران جنگ نرم» نوشته احسان سلیمانی و ملکی (۱۳۹۸) به تبیین دشمن و مسائلی پیرامون قدرت نرم پرداخته و در بخشی از این مقاله به نیازهای اساسی نظام مقابله با جنگ نرم و همچنین، تبیین دکترین مقابله‌ای در جنگ نرم پرداخته شده است. در مقاله «جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران» از محمدحسن حبیبی و مقاله «جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران» از محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۱) و دیگر مقالاتی که در این حوزه به نگارش درآمده، به تأثیرگذاری و نفوذ به باورها و ارزش‌ها در سطح کلان و خرد جامعه پرداخته شده است که با توجه به نوع تعریف جنگ شناختی و اهداف حاصل‌شده در جنگ در این زمینه، در تدوین این پژوهش مفیدند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش کیفی فراتحلیل با رویکرد توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده به روش اسنادی - کتابخانه‌ای و به‌دنبال بیان راهبرد دشمن در عرصه حاکمیتی از منظر مؤلفه‌های شناختی است.

در تحقیقات توصیفی محقق به‌دنبال «بیان» و «چگونه بودن» موضوع است که شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه است. تحقیقات توصیفی هم جنبه‌ی کاربردی دارند، هم جنبه‌ی مبنایی، که در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین، برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود.

روش مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها نیز ترکیبی از روش اسنادی - کتابخانه‌ای است. روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر با مطالعه نظام‌مند از متون به کشف، استخراج و ارزیابی مطالب مرتبط با پژوهش خود می‌پردازد. از امتیازات و ویژگی‌های روش اسنادی می‌توان به بُعد سهل و آسان بودن، کاربردی بودن آن و استفاده در بخش چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق نام برد.

چهارچوب مفهومی پژوهش

به‌طورکلی، پیرامون جنگ شناختی (بعد پنجم جنگ) با توجه به تعاریف ارائه‌شده و متکی بر نظریات پایه‌ای، چهارچوب‌های نظری مختلفی بیان شده که اغلب در حوزه نظامی کاربرد دارد و با توجه به اهمیت این پژوهش در عرصه حاکمیتی (مدیریت کلان جمهوری اسلامی) و به جهت رسیدن به اشباع نظری به تفکیک و خلاصه، نظریات این عرصه بیان می‌گردد. نکته حائز اهمیت در این مبحث پرداختن به مباحث کلی جنگ شناختی است. به دلیل وجود یک قالب کلی در بحث و تطبیق عرصه‌های مشخص (کشاورز، ۱۴۰۰: ۹۷)، باید به نظریات مختلف پیرامون کارکرد نظامی جنگ شناختی و پس از بیان آن، به

تطبیق در عرصه حاکمیتی پرداخت. وقتی صحبت از این عرصه به میان می آید، نگاه متولیان در دو بُعد مدیریت کلان راهبردی (وظیفه حاکمیت و حکومت) و مدیریت موضوعی نسبت به مسئله (وظایف دولت ها و ارکان) پیش می آید؛ بر این اساس، در این پژوهش، نگاه نویسنده به مدیریت کلان راهبردی است. به جهت پرهیز از طولانی شدن کلام، در ادامه نظریه پایه ای در جنگ شناختی بیان می شود.

- نظریه ابعاد جنگ؛ بُعد پنجم: در نظریه ابعاد جنگ، شناخت به عنوان بُعد پنجم در کنار ابعاد چهارگانه سطح، زیرسطح، فراسطح و زمان معنا می شود. نظریه بُعد پنجم درصدد است در کنار ابعاد مکانی و زمانی پدیده اجتماعی جنگ، مفهوم استعاری ذهن و شناخت را به عنوان بُعد پنجم جنگ بازنمایی کند. بازنمایی این بُعد از مختصات دوران پسامدرن است (کلاوری و کلوزل، ۲۰۲۲: ۳).

با ورود فناوری اطلاعات و توسعه شبکه مجازی، قابلیت های این عرصه به ابعاد چهارگانه قبلی اضافه شد. استعاره ذهن و شناخت، به عنوان بُعد پنجم جنگ یا همان جنگ شناختی، شناسایی و مفهوم سازی شد (محمدی نجم، ۱۳۸۹: ۱۵) در این استعاره، فضای مجازی به «ذهن» تشبیه و فعالیت های ناظر بر دریافت و تجزیه و تحلیل و انتقال داده ها به «فعالیت شناختی» تعبیر می شود.

نظریه پردازان مفهوم جنگ شناختی اعتقاد دارند فضای مجازی عمده منبع «شناخت» در دوران پسامدرن خواهد بود (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۷۵). عمده روابط انسان در دوران پسامدرن براساس داده ها و اطلاعات تبادل شده و تجزیه و تحلیل در این فضا سامان می یابد. جامعه و خرده نظام های اجتماعی که محصول روابط نظام مند افراد انسانی هستند نیز بر همین اساس نظم و نظام و ساختار می یابند.

عرصه «ذهن» و «فعالیت شناختی» در عصر اطلاعات، همان گونه که مهم ترین عرصه برای سامان دهی نظم و نظام اجتماعی است، مهم ترین بستر برای آشوب و جنگ نیز خواهد بود. هر طرف از جنگ که سلطه بیشتری بر زیرساخت ها یا فرایند دریافت و تجزیه و تحلیل و انتقال داده ها و اطلاعات داشته باشد، عملاً در معرض کنترل جوامع براساس اراده خود است. با این توضیح، جنگ شناختی در پارادایم نظامی جنگ و با تعریف سنتی آن، معنا و مفهوم می یابد و با شرایط دوران پسامدرن و عصر اطلاعات تطبیق می یابد. مرور نظریه های برخی آینده پژوهان و نظریه پردازان اجتماعی، ابعاد مختلف جنگ شناختی به این معنا را روشن تر خواهد کرد.

با توسعه مفهوم جنگ شناختی به عرصه های نوپدید، تبیین های نظری مرتبط با

جنگ شناختی نیز بسط می‌یابد که در ادامه، به تبیین‌های نظری توسعه‌یافته از جنگ شناختی با توجه به موضوع مورد بحث اشاره خواهد شد.

- نظریه جنگ دانشی یا جنگ ایده‌های آکادمیک: در این جنگ، اثرگذاری اهداف نظامی از طریق تمرکز بر «دانش» به‌عنوان یک پروسه اجتماعی صورت می‌پذیرد که در روان‌شناسی علم و یا جامعه‌شناسی معرفت از آن بحث می‌شود. در رویکرد روان‌شناسی علم، مفهوم «تخصیص شناختی» پیازه و ویگوتسکی یکی از شاخص‌ترین تبیین‌های نظری در این عرصه است (هارتلی، ۲۰۲۱: ۱۵).

براساس رویکرد جامعه‌شناختی معرفت (کاربست نظریه فوکو/ خوانش برمبنای نظریه فوکو)، در ضمن تمرکز در مفهوم دانش در شکل‌گیری «جامعه» و «نهاد اجتماعی» به نوعی شناخت نیاز داریم که در مجرای «دانش آکادمیک» در دوران معاصر، مهندسی و معماری حکمرانی در جهان در دست نهادهای قدرت قرار گیرد و این همان جنگ دانش است.

دانشمندان علوم اجتماعی در این جنگ نقش بسیار مهمی در سامان‌دهی و هدایت جامعه بر عهده دارند. در جوامع مدرن که حکومت‌ها با استفاده از ظرفیت نخبگان به اداره جامعه خود می‌پردازند، نوع «شناخت» نخبگان در سامان‌بخشی به نهادهای اجتماعی و جامعه بسیار اثرگذار بوده و چه بسا بر ذهن قانون‌گذاران، قضات، کارشناسان و مشاوران و در یک کلام، «تصمیم‌سازان» بسیار موثر است.

فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره به‌عنوان تأثیرگذاران و عوامل قدرت در سطح جامعه می‌توانند ایده‌های همسو با نخبگان را در جامعه به کف جامعه و یا صف انتقال داده و بازنمایی و پشتیبانی‌کننده این ایده‌ها باشند. عموماً این ایده‌ها از مسیر آکادمیک خود و به‌طور خاص، از مراکز علمی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه) تولید شده و به‌وسیله نخبگان مهندسی اتفاق می‌افتد و در سطح جامعه انتشار می‌یابد (کشاوری، ۱۴۰۲: ۳۹).

- نظریه جنگ اتاق‌ها: منظور از این نظریه، مفهومی توسعه‌یافته از واژه «اتاق فکر» مرسوم است که در تعبیری دیگر، به «جنگ اندیشکده‌ها» نیز تعبیر شده است. جنگ شناختی در فضایی برنامه‌ریزی‌شده در اتاق فکر و یا اندیشکده‌های راهبردی عملیاتی می‌شود که قالب اصلی این اندیشکده‌ها برمبنای بارش فکری کنشگران راهبردی و عملیاتی شکل می‌گیرد. تعبیر «میز اتم» نیز تعبیری متناسب برای فضای اندیشکده‌ای و یافتن راه‌حل مسائل در اندیشکده‌ها است که در سال‌های گذشته این تعبیر به‌روزرسانی

شده و شاهد نتایج آن در ابعاد مختلف درگیری هستیم (کاوی، ۲۰۱۰: ۲۳۲-۲۳۰). خوانش جدیدی از جنگ اتاق‌ها نیز وجود دارد که سعی در شبیه‌سازی اتاق‌های فکر جبهه رقیب دارد تا از این رهگذر به مدل تصمیم‌سازی و راهبردها و تاکتیک‌های عملیاتی آن‌ها پی برد یا آن را شبیه‌سازی کند.

نقش اندیشکده‌ها در برخی کشورها (از جمله امریکا) پس از نهادهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است که با توجه به اثرگذاری بسیار بالا در سیاست‌گذاری، به‌عنوان نقطه کانونی فعالیت در آن کشورها است. تعیین سیاست‌های خارجی برای کمرنگ کردن دایره اثر برخی از رقیبان و براندازی در پوششش تعامل به‌عنوان راهکار مهار و تغییر راهبردهای اصلی در مواجهه با آن‌ها است.

اثرگذاری اندیشکده‌ها و پیچیدن نسخه‌های متداول با عنوان پژوهش و اسناد راهبردی - عملکردی از جمله اقداماتی است که به دنبال تغییر ذائقه مخاطب، نفوذ در اقشار خاص و تأثیر بر عامه مردم هستند؛ از این رو، با بهره‌مندی از بازیگران غیردولتی و استفاده از ظرفیت برخی سیاسیون و یا مؤثران، به دنبال ایجاد انشقاق داخلی و یا انحراف از حرکت یک جامعه هستند؛ بنابراین، سه ضلع مثلث «اندیشکده‌ها، نهادهای تصمیم‌گیر و ظرفیت رسانه‌ای» یک نوع براندازی در جنگ شناختی با شیوه‌های مدرن است.

- **راهبرد:** استراتژی یا راهبرد (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان) شاخه‌ای از علم مدیریت است که در فنون نظامی، اقتصاد، تجارت و به‌ویژه عرصه سیاست کاربرد دارد. واژه استراتژی از کلمه یونانی استراتگوس (Strategos) گرفته شده که به معنای لشکر است و گاهی در معنای فرماندهی ارتش نیز به کار می‌رود. طبق تعریف لغت‌نامه وبستر، استراتژی «علم برنامه‌ریزی و هدایت عملیات نظامی بزرگ در مقیاس کلان، با هدف تشخیص و یافتن بهترین موقعیت قبل از شروع درگیری واقعی با دشمن است» (محمد سیروس و صبورطینت، ۱۳۹۰: ۴).

در برخی پژوهش‌ها، واژه استراتژی را به هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات معرفی کرده‌اند؛ اما در دیدگاه‌های جدید، استراتژی یک برنامه واحد، همه‌جانبه و تلفیقی است و نقاط ضعف اصلی سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدات محیط مربوط می‌سازد و به نحوی طراحی شده است که با اجرای صحیح آن از دستیابی به اهداف اصلی سازمان اطمینان حاصل شود.

- **جنگ شناختی:** یکی از حوزه‌های علوم شناختی، قلمرو دفاعی یا تهاجمی مورد استفاده نیروهای مسلح است که با عنوان علوم دفاع شناختی و یا به تعبیری، جنگ



شناختی مطرح می‌شود. پیرامون بیان مفهوم و تعریف اصطلاحی، ناگزیر به تعریف بومی هستیم. «جنگ شناختی به معنای نفوذ به زیربنای معرفتی و باورها و اعتقادات و شناخت افراد است و به تعبیری، به معنای تسخیر دستگاه معرفت‌شناسی انسان است» (کشاورز، ۱۳۹۸: ۶). چهار هدف عمده دشمن در جنگ شناختی عبارت‌اند از: ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها، افکار و اندیشه‌ها، رفتار و ساختار سیاسی یک جامعه. لازم است این نکته را نیز بیان نمود که براساس تعریف منتخب در جنگ شناختی و اشتباهات رایج صورت‌پذیرفته (نوپدید بودن برون‌دادی جنگ شناختی) با کلیدواژگانی همچون قدرت نرم، جنگ نرم، تهدید نیمه‌سخت، جنگ فرهنگی، جنگ ترکیبی و غیره، در سه گام راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی ممکن است اشتراکاتی با واژگان یادشده وجود داشته باشد که شرح و تفصیل آن نیازمند پژوهشی دیگر است.

- **عرصه حاکمیتی:** عرصه‌های مرتبط با جنگ شناختی با تکیه بر عناصر موضوعی و قلمرو، به هشت حوزه «حاکمیتی، سیاسی، رسانه‌ای - تبلیغی، فرهنگی - هنری، اجتماعی، دفاعی - امنیتی، علمی - فناوری و اقتصادی» تقسیم‌بندی شده است (کشاورز، ۱۴۰۰: ۹۷).

عرصه حاکمیتی در رأس حاکمیت نظام به‌عنوان بالاترین مرجع قانون‌گذار در ساختار سیاسی یک کشور (میرشکاری، ۱۳۸۶: ۱۵۸)، در دو بعد داخلی و خارجی تقسیم‌بندی می‌شود؛ بعد داخلی به همان قدرت عالی اشاره دارد و حاکمیت در بعد خارجی به مفهوم استقلال نظام سیاسی یک کشور از سایر قدرت‌های خارجی است؛ یعنی در یک جمله، پرداخت به سیاست‌های کلی یک نظام سیاسی در بعد داخلی و خارجی در عرصه مدیریت و رهبری یک جامعه شکل می‌گیرد.

دشمن در کلیه لایه‌های محیطی شامل ملی، منطقه‌ای و جهانی، راهبردهای موضوعی خود را به تناسب شرایط (قوت و ضعف‌های خود و برآورد از قوت و ضعف‌های جمهوری اسلامی) تعقیب نموده است.

سیاست‌های راهبردی دشمن جهت مقابله با عرصه حاکمیتی

جهت شناخت و دستیابی به نقاط تمرکز دشمن، ضعف‌ها و همچنین اقدامات آفندی دشمن در عرصه نبرد شناختی و خنثی‌سازی تهدیدات، نیازمند مهندسی نبرد دشمن هستیم. برای دستیابی به این مهندسی نبرد، ناگزیر می‌بایست راهبردهای دشمن در عرصه‌های مختلف را شناخت تا بتوان با برنامه‌ریزی پدافندی و در مواقع لزوم آفندی، به حفظ صیانت دینی، ملی اقدام کرد. پس در یک کلام، جهت تدوین راهبرد موفق

توسط حکومت نیازمند شناخت راهبردهای دشمن در عرصه‌های مختلف هستیم؛ چراکه باید منطق و درک متقابل از دشمن پیدا کنیم.

مطالعات موردی پیرامون جنگ شناختی نیازمند بررسی‌های ماهیتی - شناختی نبرد، توصیف جبهه دشمن و خودی و برنامه‌های کلان عملیاتی دشمن در این زمینه‌ها است. به همین دلیل، حضرت امام خمینی (ره) در پیام شانزدهم شهریور سال ۱۳۶۷ به سپاه پاسداران، ایده دفاع همه‌جانبه را مطرح و سپاه را مأمور تدوین این راهبرد کرد. این راهبرد به جهت تأمین امنیت نظام اسلامی طراحی شده است که شرایط و مقتضیات نظام جمهوری اسلامی و انقلاب دیده شده و دارای انعطاف‌پذیری با توجه به شرایط روز و نیازهای زمانه است. این انعطاف‌پذیری در بعد دفاع و امنیت در مقابل تهدیدات نرم دشمنان نیز ثمره اجرایی داشته است. پس از رحلت امام خمینی (ره)، رهبری انقلاب نیز به‌وضوح با توجه به شناخت همه‌جانبه و تعیین و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن قدم‌های بسیاری جهت اجرایی شدن این راهبرد برداشته‌اند. با بررسی دقیق و توجه بیشتر به تهدیدات درمی‌یابیم علاوه‌بر جنبه‌های تهدیدات نظامی، بخش سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و غیره را نیز شامل می‌شود.

بدون شک مبانی و مبادی و بنیادهای فکری از محدوده‌ی نظامی و امنیتی فراتر رفته و به محدوده اعتقادی - ارزشی و اجتماعی گسترش یافته و به لایه‌های زیرین اعتقادی و فلسفی از جمله هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هم رسیده است.

اجرای دقیق فرامین، ضامن حفظ امنیت و تمامیت ارضی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور است که در اعماق زندگی مردم و ساختار فرهنگی، اجتماعی کشور نقش بسزایی دارد. حضرت امام خمینی (ره) و رهبری معظم انقلاب به‌طور دائم، ضمن بیان کلیدواژه‌هایی در مفهوم امنیت و باتوجه به موقعیت زمانی و شرایط و اوضاع زمان، به این مهم پرداخته‌اند. انقلاب اسلامی در تمام دوران پس از پیروزی مورد تهدید و هجوم بی‌رحمانه طیف گسترده‌ای از دشمنان منطقه و فرامنطقه بوده است؛ آن‌ها از هر نوع تهدیدی فروگذار نکرده‌اند. به همین دلیل در بیانات رهبری و امام خمینی (ره) بر دفاع همه‌جانبه نسبت به انقلاب و ارزش‌های انقلاب تأکید فراوان شده است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱).

فروپاشی از درون، جهت‌گیری و موتور محرکه جنگ دشمن بوده و در این خصوص، فشار از بیرون به‌مثابه جریان سیاست‌گذاری و مدیریت عمل می‌کند. جنگ شناختی نسخه تدوین شده دشمن (کنشگری بیرونی و خارجی) برای به‌تحرك‌درآوردن مخاطبان در جامعه داخلی (محیط درونی) و مدیریت باورها، ادراکات، رفتارها و تحرکات آن‌هاست و

نقش مخاطبان یا عوامل جامعه داخلی به بازیگری و در واقع، بازی خوری محدود است. این جنگ جزئی از نبرد هوشمند است و به همین جهت، شباهت بسیاری به جنگ‌های ترکیبی دارد؛ تاجایی که شاید تمیز دادن آن از مدل جنگ‌های ترکیبی بسیار سخت باشد. جنگ‌های ترکیبی ممکن است هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی طیفی از بازیگران بی‌دولت هدایت شوند (مرکز آینده‌پژوهی علوم دفاعی، ۱۳۹۶: ۱۶).

این جنگ همه‌جانبه و چندبعدی است؛ از این رو، نبرد دشمن در محیط‌های مختلف هدایت می‌شود و در صورت نتیجه دادن در یک یا چند محیط یا تسهیل نفوذ، این محیط‌ها مورد تمرکز بیشتری قرار می‌گیرد. عرصه‌های جنگ شناختی، مستقل و مجزا نبوده بلکه برعکس، متداخل و دارای برهم‌کنش هستند و در چرخه‌ای از کنشگری، بر یکدیگر تأثیرهای هم‌افزا بر جای می‌گذارند؛ از این رو، عمق و نفوذ نبرد شناختی در یک یا چند عرصه، موجبات نفوذ در دیگر عرصه‌ها را به دنبال دارد.

بعد پنجم جنگ تابع شرایط زمانی و نوع ظرفیت‌ها و آمادگی‌های جامعه هدف یا درک آن‌ها توسط دشمن است؛ از این رو، متناسب با این شرایط و تغییرات زمانی و مکانی، برنامه‌های مختلفی در دستور کار دشمنان قرار گرفته است. برنامه‌های دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت پیوسته و از زوایای مختلف طراحی و تولید می‌شود و در مجموع، به صورت سناریوهای هماهنگ عمل می‌کند.

عمده فعالیت دشمن در جنگ شناختی، نفوذ به ذهن تک‌تک افراد برای دستکاری‌های ذهنی، تغییر نگرش، تغییر و تسلط بر مدل تحلیل اطلاعات در افراد، اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات افراد، پیش‌بینی کنش‌های رقیب، مدیریت هیجانات و احساسات، حب و بغض‌ها، مدل‌سازی ریاضی فرایندهای ذهنی، استفاده حداکثری از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین و سایر اقداماتی از این دست و فراتر از آن است (لنن، ۲۰۰۳: ۱).

نخبگان جامعه اعم از مسئولان، متخصصان و گروه‌های مرجع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با هر سلیقه و گرایشی، مورد تهاجم شناختی دشمن و مخاطرات ناشی از هرگونه رفتار هیجانی مبتنی بر منفعت فردی بر جامعه هستند (ترابی و طاهری‌زاده، ۱۴۰۰: ۶۶-۴۷).

از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی نظام، از آثار این جنگ شمرده می‌شود که نتیجه مخاطرات در حوزه سرمایه شناختی جامعه هدف است. برای این منظور، دشمن با مستندسازی‌های پیچیده و حیل‌های رسانه‌ای زیرساخت‌های فکر مذهبی نظام را زیر سؤال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه‌رو می‌سازد. رکن مهم در این جنگ، نبرد ذهن‌ها و اراده‌ها است (توسلی، ۱۴۰۲: ۲۸).

راهبرد دشمن در عرصه حاکمیتی

انتظار مردم از نظام و رهبری نظام با توجه به اشراف خود، مدیریت، راهبری، نظارت و اسکان‌داری مدیریتی برای رسیدن به رفاه نسبی، آرامش و امنیت و پیشرفت در سطح جامعه است؛ آن جامعه‌ای موردنظر و مراد مردم است که انتظارات مردم در قالب ارزش و هنجار تأمین شود.

بررسی حوادث چندساله پس از انقلاب نشان‌دهنده این مهم است که نوک حمله دشمنان در تمام زمینه‌ها به زعامت و رهبری جامعه اسلامی است؛ تضعیف رهبری و امامت جامعه در جنگ شناختی یکی از اساسی‌ترین راهبردهای دشمن برای براندازی انقلاب اسلامی است؛ کم‌اهمیت جلوه دادن اساس رهبری یعنی همان مقابله با اصل نظریه ولایت‌فقیه (نظام‌دوست و پناهنده، ۱۴۰۱: ۸).

طبق مبنای قانون اساسی، استحکام اصل نظام وابسته به اصل ولایت‌فقیه است؛ تا وقتی به این مهم خدشه وارد نشود، براندازی انقلاب غیرممکن خواهد بود (منصور، ۱۳۹۷: ۸۹). یکی از اهداف مهم دشمنان انقلاب، نسبت به تشکیک اصل ولایت‌فقیه در جامعه اسلامی، به‌کارگیری نیروهای ضعیف و ناکارآمد و یا حتی نفوذی در بین ارکان مختلف و مراکز تصمیم‌ساز در جمهوری اسلامی است (احدی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

بنابراین، با توجه به تجربه چنددهه دشمنان در استفاده از شیوه‌های مستقیم حذف رهبری در جامعه همچون ترور - تضعیف جایگاه ولی‌فقیه و شخصیت و رتبه علمی ایشان، دشمن در این مرحله از شیوه‌های تند و قهرآمیز صرف نظر نموده و از روش‌های مختلف استفاده می‌نماید (اصلائی، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

پس در یک کلام، راهبرد دشمن در عرصه حاکمیتی عبارت است از: «تضعیف رهبری، تشکیک اصل ولایت‌فقیه، القای ضعف و ناکارآمدی نظام و مدیران».

با توجه به مفاهیم یادشده، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که انقلاب اسلامی انقلابی فکری - فرهنگی و از انواع انقلاب‌های اجتماعی - سیاسی است که براساس جنبشی با ایدئولوژی توحیدی شکل یافته و ولایت‌فقیه به‌عنوان پایه اساسی پیدایش و حرکت به سمت ارزش‌های مترقی در اندیشه الهی است (فوزی، ۱۳۹۴: ۵).

دشمنان این نظام مکتبی همواره تمام همت خود را به جهت مقابله با اساس این حرکت به‌کار برده‌اند. آنان با توجه به تجربه چند دهه خود کشف کرده‌اند که اساسی‌ترین راه انهدام و نابودی انقلاب اسلامی، از بین بردن زیربنای آن یعنی ولایت‌فقیه است. ولایت‌فقیه نقش محوری در اقتدار و پیشرفت انقلاب اسلامی دارد (بسطامی، ۱۳۹۹: ۱۱).



یکی از راه‌های نابودی نظام ولایتی ایجاد تردید و توطئه و شبهه‌افکنی در ساختار ایدئولوژی این نظام است. دشمن همواره از ابتدای پیروزی انقلاب به دنبال اقداماتی برای ایجاد اختلال در نظام و به تبع آن، رهبری جامعه بوده است و برخی از چهره‌ها، دانسته یا نادانسته همراه با اهداف نهان دشمن به این اقدام دست زده‌اند: از جمله مخالفت با تصویب اصل ولایت فقیه، طرح تعدد رهبری، طراحی کودتا و کشته‌سازی از رهبر جامعه، انحراف رهبری پس از امام خمینی، نفوذ در حاکمیت.

از دیگر ترندهای دشمن اقدامات عملیاتی برای آسیب‌زدن به ساختار مدیریتی و رهبری جامعه بوده است که می‌توان از ایجاد تردید در حقانیت رهبری، نشان دادن تجر و ساده‌اندیشی طرفداران ولایت فقیه، شخصیت‌سازی و بدل‌سازی، ایجاد اختلاف و دامن‌زدن به اختلافات بین مسئولان نظام، تضعیف دستیاران و تشکیلات رهبری (اسلام پورکریمی، ۱۳۹۶: ۴۷)، از بین بردن و حذف فیزیکی افراد، جریان‌ها و شاخصان وابسته موفق به جریان مدیریتی کشور، مخالفت با نهادهای وابسته رهبری و تخریب چهره‌های فداکار نظام نام برد.

از اقدامات راهبردی دشمن در عرصه حاکمیتی نظام می‌توان به القا و ایجاد مدیریت دوگانه (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۴)، کم‌رنگ نشان دادن مقبولیت اجتماعی حکومت و حاکم، القای ناکارآمدی اجتماعی (ناکارآمد نشان دادن عملکرد مجموعه‌ی نظام) (میرمحمدی و محمدی لرد، ۱۳۸۶: ۳۶)، تقویت جریان همسو با غرب در داخل جهت حضور آنان در مناصب قدرت، تقویت و حمایت از افراد و گروه‌های مرتجع و واپسگرا، تغییر رفتار و سیاست‌های نظام در منطقه با هدف تضعیف محور مقاومت با ایجاد فشار مردمی بر رهبری و مدیران، تغییر تاکتیکی با عادی‌سازی روابط جهت تسهیل پیاده‌سازی اهداف دشمن در نظام جمهوری اسلامی، ترسیم آینده تاریک و ایجاد روحیه ضعف و یأس نسبت به آینده نظام و انقلاب اسلامی، ایجاد رعب و وحشت در سطح جامعه همراه با تضعیف روحیه خودباوری و مقاومت، ایجاد تفرقه و برهم‌زدن وحدت و شکاف قومی - مذهبی در داخل کشور، از بین رفتن عدالت، سلب اعتماد و رویگردانی مردم از نظام و رهبری، پروژه بی‌ثبات‌سازی و استحاله از درون ارکان مدیریتی رهبری و غیره اشاره نمود که با توجه به اینکه این نوشتار فقط در بیان مؤلفه‌های شناختی - راهبردی دشمن نسبت به ولایت فقیه و در بیان نظری مسائل است، پرداختن به اقدامات، کارکردهای عملی، نفوذ و روش مقابله‌ای دشمن نیازمند مباحث جداگانه است.

مواجهه دشمن در عرصه حاکمیتی از منظر مؤلفه‌های شناختی

دشمن در دهه اول انقلاب، تمامی قدرت سخت‌افزاری خود را جهت شکست انقلاب و ساقط نمودن آن به کار بست و به شکل‌های مختلف تلاش نمود به اهداف خود برسد. ناکامی دشمن سبب شد با هدف ایجاد تغییر در باور و اعتقادات مردم نسبت به ولایت فقیه دست به تهدید نرم علیه انقلاب و ولی فقیه به عنوان رکن اساسی بزند (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، بیانات در ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). به همین دلیل وارد مرحله جنگ شناختی شد و به شبهه‌افکنی در بعد بینشی دست زد (محمدی نجم، ۱۳۸۹: ۴۶).

امروزه تهاجم دشمن با استفاده از ابزار نوین شناختی سعی در ایجاد تردید نسبت به ایدئولوژی ساختاری اسلام شیعی و مدیریت کلان بر مبنای نظریه حکومت اسلامی دارد و یکی از وظایف نخبگان و خواص، تبیین حقایق و شبهه‌زدایی نسبت به مکتب اسلام شیعی و مدیریت بر مبنای حکومت اسلامی به ویژه بحث ولایت فقیه است (کتابی، ۱۳۹۶).

۱- ادراک‌سازی توسط مهندسی ذهن

مهندسی ذهن را می‌توان به «شناخت نسبت به ساختار ذهن هوشیار و ناهوشیار و کارکرد آن و همچنین، استحصال بهینه از توانایی‌های ذهنی دانست» (خنیفر، ۱۳۸۴: ۲۲). مهندسی ذهن، فرایند مدیریت و طراحی ذهن به جهت رسیدن به اهداف مورد نظر است. اصل مهم مهندسی ذهن تطبیق واقعیت‌های بیرونی با انعکاس‌های درونی ذهن بشری است.

محورهای اصلی مهندسی ذهن عبارت است از: ارتباط با واقعیت‌های بیرونی، پذیرش و جذب پیام‌های گوناگون محیطی، پردازش اطلاعات و داده‌ها، گزینش داده‌ها، خلق تصاویر ذهنی مطلوب و ارسال تصاویر به صورت یک فرمان به ناهوشیار به جهت اجرا (فیروزی، ۱۳۸۴: ۲۰)؛ بنابراین، مقوله‌هایی چون ادراک، به جهت ارزیابی نیازمند ذهن هوشیار است و هیچ تصویری بدون تصمیم‌گیری نهایی ذهن هوشیار وارد سیستم نخواهد شد و این مهم بر اساس سه کلیدواژه «توجه، هیجان، تکرار» با تأکید بر محرک‌ها و پیام‌ها در ذهن هوشیار شکل می‌گیرد. حال با وجود این، دشمن تمام کوشش خود را برای شکل‌گیری یک تصویر نامطلوب در ذهن ناهوشیار به کار می‌برد.

مهندسی ورودی‌ها و اطلاعاتی که نسبت به حاکمیت و رهبری مطرح شده در کنار گزینش اخبار و خلق تصاویری از ناکارآمدی حاکمیت، فساد، تباهی و غیره باعث یک ارتباط بین پیام‌ها و محیط شده و از این طریق با رسوب در ذهن ناهوشیار، باعث شکل‌گیری یک تصور بد از حاکمیت در بین مردم می‌شود.

۲- شکل‌گیری الگوهای ذهنی

نقش الگوهای ذهنی به‌عنوان یک پدیده‌ای است که نباید از آن غافل شد. در حالت کلی، ذهن براساس مکانیسم خودسازمان‌دهنده عمل می‌کند؛ یعنی براساس اطلاعات و درکی که ممکن است از گذشته در لایه‌های مختلف وجود داشته باشد و منجر به تفسیر شود، همراه با پردازش داده‌های جدید منجر به مکانیسم خودسازمان‌دهنده می‌شود که به آن الگوهای ذهنی می‌گویند (کشاوری، ۱۴۰۲: ۳۶). الگوی ذهنی روش رشدیافته ما در تفکر است که باعث می‌شود تنها چیزهایی را ببینیم که هم‌راستا با قصدهای ما و یا در جهتی تفسیر کنیم که در تطبیق با فهم قبلی ما است.

عمل ما براساس الگوهای ذهنی ما است نه آنچه می‌گوییم و یا حتی معتقدیم؛ ریشه الگوهای ذهنی در ذهن ناخودآگاه ما است که سریع شکل می‌گیرد و دیر از بین می‌رود و همان چهارچوبی است که ذهن را محدود می‌کند (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

با توجه به این موضوع، دشمن با اقدامات راهبردی خود در عرصه حاکمیتی همچون القا و ایجاد مدیریت دوگانه، کم‌رنگ نشان دادن محبوبیت و مقبولیت مردمی - اجتماعی رهبری و ناکارآمد نشان دادن عملکرد مجموعه نظام به دستکاری در ناخودآگاه ما اقدام می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با ایجاد یک‌سری داده‌ها از طریق واگذاری اطلاعات و اخبار ناقص و یا جعلی و با شگردهای عملیات روانی، سعی در تغییر مسیر اندیشیدن عامه مردم با توجه به مقاصد آن‌ها دارد.

البته به جهت مقابله و واکنش‌سازی ذهنی می‌بایست در جهت کاهش نگرانی‌های فکری ناشی از ضمیر ناخودآگاه اقدام نمود که این عمل را ذهن‌آگاهی می‌گویند؛ «فرایندی که با توجه به تجربیات، بدون قضاوت، توانایی کنترل اراده، غریزه و اصلاح اشتباهات ناخودآگاه را به دنبال دارد» که در تعبیری، به «پرورش آگاهی و هوشیاری با تکیه بر مراقبت و زیرنظرگرفتن توجه و تجربیات بدون قضاوت نام می‌برند» (گنجی، ۲۰۱۲: ۴۳۷).

جهت عمق‌بخشی و اثرگذاری فرهنگی - اعتقادی در عرصه‌های اجتماعی در سطح داخل و خارج باید زیرساخت‌هایی هم‌تراز با آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم نمود؛ جهت دستیابی به این زیرساخت‌ها، ارتباطات هوشمندانه و سازمان‌یافته با نخبگان، نهادهای تأثیرگذار جامعه و شخصیت‌های تراز لازم است.

در این خصوص، باید با ایجاد ساختاری هدفمند، برنامه‌ریزی متناسب، ارتباطی هنرمندانه و شبکه‌ای با اقشار مختلف جامعه، جهت شناسایی و ارتباط‌گیری و در موارد لزوم، بهره‌برداری گام برداشت.

۳- ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی

وقتی دستگاه‌های محاسباتی دچار اختلال شوند، از داده‌های درست خروجی‌ها و نتایج اشتباه به دست خواهند آورد؛ حتی دیگر تجربه هم در این زمان مفید نخواهد بود. ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی در جهت تغییر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران و مسئولان کشور باعث وجود خطا و از بین رفتن توانایی‌ها، نیروها و اراده‌ها می‌شود.

همان‌طور که رهبری انقلاب نیز به آن اشاره داشتند، «محاسبه‌ی غلط یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید می‌کند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید می‌کند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه‌ی اراده اوست و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی اوست؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطاست؛ آن‌وقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد» (حسینی خامنه‌ای، بیانات در ۱۶/۴/۱۳۹۳).

تمام سعی دشمن در ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان است؛ اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان یعنی تغییر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و در مردم یعنی عدم حمایت و همراهی.

تقویت جریان همسو با دشمن توسط پیاده‌نظام در داخل، تغییر تاکتیکی با عادی‌سازی روابط جهت تسهیل پیاده‌سازی اهداف دشمن در نظام جمهوری اسلامی، ترسیم آینده تاریک و ایجاد روحیه ضعف و یأس نسبت به آینده نظام و انقلاب اسلامی، ایجاد رعب و وحشت در سطح جامعه همراه با تضعیف روحیه خودباوری و مقاومت، ایجاد تفرقه و برهم‌زدن وحدت و شکاف قومی - مذهبی در داخل کشور از جمله شگردهای دشمن در ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مردم و مسئولان است.

۴- عوامل اختلال در نظام محاسباتی

۴-۱- تحلیل مادی قضایا

یکی از خطاهای دستگاه محاسباتی تحلیل مادی صرف و محدود است که باعث ایجاد اختلال می‌شود و این امر با تهدید و تطمیع توسط استکبار و استبداد صورت می‌پذیرد. همان‌طور که هدف دشمن ایجاد اختلال در محاسبه است، باعث خطای محاسباتی در عرصه حاکمیتی کشور می‌شود.

۴-۲- عدم شناخت جبهه‌ها

عدم شناخت جبهه خودی و دشمن باعث ایجاد خلل در تصمیم‌سازی می‌شود. وقتی ما جوانب یک قضیه را به صورت درست نشناسیم، نمی‌توانیم نتیجه مطلوب از آن بگیریم.



بحث ما مقابله بین دو جبهه حق و باطل است، خطای محاسباتی وقتی رخ می‌دهد که جبهه حق و باطل را به درستی نشناسیم و توانایی درک آن را نداشته باشیم.

۳-۴- توهم آرمان‌گرایانه و واقعیت‌پنداری آن

واقعیت‌هایی وجود دارد که اگر در محاسبات نیاید، ما را دچار اشتباه می‌کند. متأسفانه آرمان‌گرایی یکی از اشتباهاتی است که شاید تعبیر لغزشگاه برای آن واژه مناسبی باشد؛ چیزهایی که واقعیت ندارد و انسان تصور نمی‌کند، واقعیت‌سازی کند و در تصمیم‌سازی‌ها از آن بهره ببرد. بحث ما واقعیت‌های مسلم نیست، بلکه توهماتی است که با واقع‌سازی شدن این آرمان‌ها، باعث ایجاد لغزش در محاسبات می‌شود. گاهی اوقات راحت‌طلبی، وابستگی و حتی توطئه باعث خطای محاسباتی می‌شود.

دشمن با استفاده از تبلیغات گمراه‌کننده، با روش‌های سیاسی، ارتباطی از بیرون و نفوذ از داخل باعث تغییر محاسباتی مسئولان و مدیران در نظام اسلامی در عرصه حاکمیتی می‌شود. هدف اصلی دشمن تغییر محاسبات مسئولان است.

۴-۴- راه‌انداختن مسائل و چالش‌های ذهنی

باتوجه به سرعت رشد تغییرات و مواجهه‌بودن با محرک‌های گوناگون، نیازمند انعطاف‌پذیری آگاهانه به‌عنوان یک توانایی هستیم که به آن «ذهن‌انعطاف‌پذیر» می‌گویند. یکی از ویژگی‌های ذهن‌انعطاف‌پذیر، توانایی سازگاری و مقابله با دشواری‌ها و وجود مسائل جدید محیطی است که نتیجه و ماحصل آن، توانایی تاب‌آوری درونی و حل مسائل پیچیده است. تقویت ذهن‌انعطاف‌پذیر موجب حل مسائل ذهنی و مقابله هوشمندانه با چالش‌های ذهنی است.

در این مقابله هوشمندانه کنترل ذهن یکی از گام‌های مهم این چالش ذهنی است که باعث اصلاح نگرش‌های ذهنی می‌شود. بازیگران نبرد شناختی دائماً با مسائل جدید ذهنی مواجه هستند و انبوه مسائل باعث ایجاد چالش در ذهن خود و مخاطب می‌شود. مواجهه هوشمندانه با چالش‌های پیش رو و حل این مسائل، با تأکید بر ذهن‌انعطاف‌پذیر باعث عبور از این مواجهه است.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که وجود چالش‌های جدید ذهنی باعث تغییر پارادایم‌ها می‌شود؛ یعنی ایده‌های قدیمی با تمرکز بر به‌بن‌بست رسیدن امور کنار گذاشته می‌شوند و ایده‌های جدید جایگزین آن می‌شوند؛ اینجاست که ممکن است به حل مسائل و راه‌های جدید منتهی شود.

دشمن با راه‌اندازی پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی و استحاله از درون ارکان مدیریتی

باعث به راه انداختن چالش‌های ذهنی می‌شود. سرعت ایجاد مسائل جدید، عدم حل شدن مسائل گذشته توسط نظام و افشای فسادهای متوالی از مسئولان و ارکان حکومت باعث شکل‌گیری این چالش می‌شود.

۴-۵- تغییر پارادایم (الگوواره) ذهنی

وجود پارادایم (الگوواره) به جهت داشتن یک‌سری الگوهای فکری برای گرفتن تصمیمات و قضاوت نسبت به موضوعات را نباید فراموش کرد. ذهن انسان‌ها مملو از الگوواره‌هایی است که براساس آموزش‌های دیده‌شده، مسائلی که پیش‌تر با آن مواجه بوده‌اند را به‌عنوان تصاویر ذهنی مطلوب دانسته و پذیرش ذهنی راحت‌تری نسبت به مسائل دارند؛ حال اگر بتوان با دستکاری وهمیات و خیالات این مطلوب‌ها را در ذهن نهادینه کرد، به راحتی می‌توان گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افراد را با تثبیت پارادایم تغییر داد و نتیجه آن در طولانی‌مدت، به انحراف از معیار منتهی می‌شود (حق‌شناس گرگابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۸۶). وجود افرادی که در گذشته به انقلاب اسلامی متعهد بوده‌اند؛ اما در طولانی‌مدت، همین افراد در جایگاه مخالفان با نظام دست به اقدام زده‌اند از جمله این شیوه‌هاست.

بسیاری از اختلافات و تضادهای بین‌نخبگان به دلیل وجود اختلاف در زاویه دید و نحوه نگرش آن‌ها و اصطلاحاً قفل شدن چهارچوب ذهنی افراد باعث درک نامتناسب از یکدیگر شده و در نتیجه، به دشمنی عقیده‌ای، ذهنی و غیره منجر می‌شود.

۴-۶- ایجاد سوگیری در نخبگان جامعه

دشمن در جنگ شناختی همواره با سوءاستفاده از عدم آگاهی نخبگان و مدیران از «سوگیری‌های شناختی» که ممکن است در سه سطح (الف) تصمیم‌سازی، اعتقادی، رفتاری؛ (ب) اجتماعی و (ج) حافظه، برای انسان‌ها ایجاد شود و با شناخت از مسائل و چالش‌های ذهنی کلان در کشور، اقدام به ترسیم نقشه ذهنی مطلوب خود داشته و با همکاری پیاده‌نظام داخلی خود باعث ایجاد چالش در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیران و اشتباهات مدیریتی در سطح کلان در جمهوری اسلامی شود (حسینی، ۲۰۲۰). فراموش نشود که نخبگان جامعه به‌عنوان بازیگران اصلی در نبردهای شناختی هستند. نقش نخبگان در تحولات مختلف بسیار مهم است؛ توسعه و پیشرفت یک حکومت نتیجه عقلانیت، هماهنگی، ثبات، آرامش، برنامه‌ریزی و مدیریت کارگزاران و تصمیم‌سازان به‌طور دسته‌جمعی است (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۵)؛ تصمیماتی که هر یک از گروه‌های نخبگان حاکم یا صاحب نفوذ در یک جامعه اتخاذ می‌نمایند دقیقاً بر رفتار توده مردم تأثیر می‌گذارد.



موتور محرکه پیشرفت در جمهوری اسلامی، نتیجه عمل و فکر نخبگان است (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، بیانات در ۱۴/۱۲/۱۳۹۱). پیشرفت در ابعاد مختلف در سطح کشور نتیجه ارتباط مستقیم با نخبگان و معاشرت و سامان‌یافتگی میان این افراد با جامعه است.

- سوگیری شناختی: انحرافات و اشتباهات ذهن از قضاوت درست است که این اشتباهات ادراکی در تصمیم‌سازی و ارزیابی اطلاعات به شکل یک الگوی ذهنی درآمده و باعث انحراف از معیار می‌شود.

دلایل شکل‌گیری سوگیری‌های شناختی را می‌توان به چهار بخش تقسیم نمود: الف) اطلاعات بیش از اندازه که ذهن ناچار است مقدار زیادی از آن را فیلتر کند؛ ب) عدم ادراک مناسب که ذهن ناچار است با ساختن ارتباطات بین پدیده‌ها و سایر چیزها، راهی برای درک پیچیدگی‌ها بیابد؛ ج) نیاز به سریع عمل کردن؛ د) محدودیت‌های حافظه (کشاوری، ۱۳۹۸: ۳۴۵).

با توجه به اشاراتی که پیرامون مؤلفه‌های شناختی دشمن در عرصه حاکمیتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و رهبری نظام شد، روش است که اهتمام دشمن در جنگ شناختی به تخریب بنیان‌های معرفتی، باورها و اعتقادات و سپس رفتارهای مردم و نخبگان نسبت به ارکان مختلف نظام متمرکز شده و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند.

متأسفانه در این مسیر نگرش مقابله‌ای با دشمن محدود به اقدامات پدافندی شده و با توجه به تشویش و اضطراب ذهنی جبهه انقلاب که منجر به تصمیم‌سازی رفتاری می‌شود، همه توان و ظرفیت پدافندی نیز معطوف به مقابله با تسخیر اذهان و قلوب طیف‌های مختلف مردم شده است و چه بسا از اصل غافل شده‌ایم.

الزامات راهبردی ج.ا.ایران در مقابله با نفوذ استراتژیک دشمن در عرصه حاکمیتی

به جهت بیان راهکار و داشتن نتایج کاربردی و سازوکار اجرایی می‌توان به الزامات راهبردی جمهوری اسلامی در مقابله با دشمن در عرصه حاکمیتی یعنی گرانگه ارزشی یک کشور و ستون خیمه که همان ولایت فقیه است پرداخت. به همین جهت، به صورت اختصار و در راستای مقابله، پیشنهادهای ارائه می‌گردد:

- ارتقای ادراک جامعه با استفاده از ظرفیت حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها؛
- ایجاد سازوکاری متناسب جهت جلوگیری از مهندسی افکار عمومی؛
- برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم جهت تعمیم گفتمان انقلابی و استکبارستیزی؛
- تعمیق جایگاه ولایت فقیه و اجماع‌سازی ملی آن به‌عنوان محور اسلامیت و

جمهوریت نظام؛

- افزایش و تعمیق اشراف اطلاعاتی با هدف شناسایی مقابله و مهار نفوذ استراتژیک؛
- به‌کارگیری قدرت نرم تهاجمی جمهوری اسلامی ایران؛
- به‌کارگیری نخبگان از طریق ظرفیت‌های جاری؛
- بازتعریف معیارها و سازوکارهای انتصابات مسئولان راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛
- حمایت از محور مقاومت با هدف افزایش نفوذ و عمق راهبردی به‌عنوان یک آفند و راهکار ایجابی؛
- پاسخگویی واقعی به نیاز جامعه علمی کشور، از طریق اقناع اندیشه؛
- شناسایی بسترهای نفوذ موردی مانند بورس‌های تحصیلی، دادن تابعیت، کارچاق‌کنی و غیره که باعث تضعیف مدیریت و تشکیلات وابسته به آن می‌شود.
- ارائه راهکارهای قانونی برای مقابله هوشمندانه، احصای عوامل بسترساز نفوذ دشمن در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
- اصلاح و بهبود قوانین بسترساز فساد و برخورد قاطع و سریع با مسئولان یا وابستگان متخلف آنان و پاسخگویی شفاف به مردم؛

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، تلاش دشمن در طی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب در سطح حاکمیت و در عرصه مدیریتی، ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مدیران و مسئولان و به تبع آن، مردم و بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی در سطح کشور است و برای رسیدن به این مهم از طریق راه‌های مختلف، اقدامات تقابلی را در دستور کار خود قرار داده است. دشمن جهت نفوذ و تخریب، نیازمند راهبردهایی در عرصه‌های مختلف است. از جمله در عرصه حاکمیتی تمام سعی و تلاش خود را بر این گذاشته که با تضعیف رهبری جامعه و ایجاد شک و شبهه در اصل ولایت فقیه در کنار القای ضعف و ناکارآمدی نظام و مدیران منسوب به رهبری جامعه و تضعیف دستیاران و حتی تشکیلات رهبری و القای ناکارآمدی ولایت فقیه و فقه حکومتی و نشان دادن تعارضات بین روش‌های حکومت‌داری و مدیریتی و غیره به آسیب بردازد. تخریب بنیان معرفتی، باورها و اعتقادات مردم به نظام اسلامی، ولایت فقیه، مدیران ارشد و مسئولان و غیره از طریق ادراک‌سازی مهندسی ذهن، شکل‌گیری و تغییر الگوهای ذهنی، ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی، راه انداختن مسائل و چالش‌های



ذهنی و استفاده از سوگیری‌های شناختی از جمله مهم‌ترین شیوه‌های شناختی دشمن در عرصه حاکمیتی است. با توجه به حمایت و پشتیبانی مردمی و پشتوانه مکتبی - دینی بودن ولی فقیه در جامعه به عنوان رهبر جامعه، راه برای نفوذ دشمن بسیار سخت است؛ اما هیچ‌گاه نباید نسبت به این مسائل غفلت نمود.

رصد و پایش شیوه‌ها و تلاش دشمن و پرداخت به آنان سبب می‌شود با برنامه ریزی متناسب، منسجم و هوشمندانه به برهم زدن معادلات دشمنان در این عرصه و اقدامات متقابلی اقدام نماییم.

منابع

- قرآن کریم.
- احدی، افسانه (۱۳۸۶). «رویکرد امریکا نسبت به ایران». مرکز تحقیقات استراتژیک. قابل دریافت: <https://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=10507>.
- اسلام پورکریمی، عسکری (۱۳۹۶). «روش‌های دشمن در تضعیف رهبری به استناد آیات و روایات»، ماهنامه پاسداران اسلام، شماره ۴۲۵: ۴۶-۴۷.
- اصلانی، فریبرز؛ رهبری، سیف‌الله؛ ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۶). «پیامد شناسی کارکردهای براندازی نرم ناشی از نفوذ دشمن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۵: ۲۰۲-۱۹۰.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۵). صحیفه امام، قم: نشر اسلامی، ج ۲۱.
- ایمانی، فاطمه؛ دیهیم، تاکی؛ طبائیان، مرضیه (۱۳۹۱). «تأثیر نقشه‌های شناختی در بازآفرینی الگوهای شناختی از محیط»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۴: ۱۱۳-۱۰۳.
- بسطامی، زهرا (۱۳۹۹). «نقش ولایت فقیه در پیروزی انقلاب اسلامی»، دومین همایش ملی امنیت اقتدار و پیشرفت. قابل دریافت: <https://civilica.com/doc/1258074>.
- ترابی، قاسم؛ طاهری‌زاده، محمدناصر (۱۴۰۰). «انقلاب سایبری و تحول مفهوم جنگ اطلاعاتی در عرصه روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال هفدهم، شماره ۴ (۶۸): ۶۶-۴۷.
- توسلی سید علی (۱۴۰۲). «تبیین مؤلفه‌های جنگ شناختی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات شناخت اجتماعی، سیاسی، سال اول، دوره اول، شماره ۱: ۴۱-۲۴.
- توکل، محمد؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۳). «فراعلیتی کیفی مقالات علمی فاخر بر مسئله فرار مغزها در ایران». بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱: ۷۵-۴۵.
- حبیبی، محمدحسن؛ صبوری، محمدحسن (۱۳۹۱). «جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت پژوهی، دوره یازدهم، شماره ۴۰: ۵۲-۳۱.
- حسینی، سید محمد (۲۰۲۰). «نقشه ذهنی چیست؛ آموزش ترسیم نقشه ذهنی مرتا، مرتا؛ رسانه آموزشی کتابخوانی و رشد فردی. قابل دریافت در: <https://mertaa.ir/blog/how-to-mind-map>.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶). مجموعه بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). قابل دریافت: www.khamenei.ir

- حق شناس گرگابی، محمد؛ حیدری، علی؛ شاه‌حسینی، محمدعلی (۱۳۹۶). «شناسایی ابعاد مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیران استراتژیک در نهادهای حاکمیتی» (مورد مطالعه: نمایندگان مجلس شورای اسلامی)، فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران. دوره دوازدهم. شماره ۴۸: ۱۰۰-۸۶.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). «مهندسی ذهن و خلاقیت». نشریه پرسمان. شماره ۳۳: ۳۰-۱.
- سلیمانی، احسان؛ ملکی، احمد (۱۳۹۸). «تبیین نظام مقابله با جنگ نرم و اصول حاکم بر افسران جنگ نرم»، فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی. دوره دوم. شماره ۶: ۵۹-۸۸.
- محمد سیروس؛ صبورتینت، امیرحسین (۱۳۹۰). *مدل مدیریت استراتژیک مبنا*. تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر. چاپ دوم.
- علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰). «رهیافت سطح شناختی در مطالعه اهداف جنگ نرم»، فصلنامه راهبرد فرهنگ. سال چهارم. شماره ۱۶: ۱۶۴-۱۴۷.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم؛ میرشاه ولایتی، فرزانه؛ نظری‌زاده، فرهاد (۱۳۹۱). «جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دوره اول. شماره ۴: ۳۳-۱.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۴). «زمینه‌های فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. قابل دریافت: <https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/13011>.
- فولادی، قاسم؛ صابرفرد، علیرضا؛ فتوح‌آبادی، وحید (۱۳۹۸). «بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت‌گیری آینده آن: شکل‌گیری فضای شناخت»، فصلنامه راهبرد دفاعی. دوره پانزدهم. شماره ۴: ۷۵-۱۰۴.
- فیروزی عبدالوهاب (۱۳۸۴). *مهندسی ذهن و خلاقیت*. <http://www.atcce.com>.
- کتابی، محمدرضا (۱۳۹۶). «بررسی راهبردها و راهکارهای مقابله با جنگ نرم»، فرهنگستان علوم اسلامی قم. قابل دریافت: <https://www.foeq.ir/vdcbuffwprhbz.iur.html>.
- کشاورز، محمود (۱۳۹۸). *راهبرد دشمن در جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی*. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- ---- (۱۴۰۰). *جنگ شناختی ۱*. قم: انتشارات سیاهه.
- ---- (۱۴۰۲). *رهیافت مقابله‌ای جمهوری اسلامی علیه دشمن در جنگ شناختی با تأکید بر شبکه‌سازی هوشمند سرمایه انسانی*. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- گنجی، حمزه (۲۰۱۲). *زمینه روان‌شناسی تکنیسون و هیلگارد*. تهران: انتشارات ساوالان.
- محمدی نجم، حسین (۱۳۸۹). *جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ*. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- مرکز آینده‌پژوهی علوم دفاعی (۱۳۹۶). *جنگ ترکیبی مروری بر ادبیات*. ترجمه محمد جولانی و قاسم فولادی. مؤسسه آموزش تحقیقات دفاعی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۷). *قانون اساسی ایران*. تهران: انتشارات دوران.
- میرشکاری، جواد (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- میرمحمدی، مهدی؛ محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۸۶). «تهدید نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۷). «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، فصلنامه راهبرد. شماره ۱۴: ۱۶۵-۱۸۰.
- نظام‌دوست، رضا؛ پناهنده، مهدی (۱۴۰۱). «نقش رهبری ولایت‌فقیه در مدیریت راهبردی اغتشاشات در نظام



جمهوری اسلامی ایران»، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تجارت جهانی، اقتصاد، دارایی و علوم اجتماعی. قابل دریافت: <https://civilica.com/doc/1623366>

- Claverie Bernard; Cluzel François Du. (2022). "Cognitive Warfare": *The Advent of the Concept of Cognitics in the Field of Warfare*.
- Kauppi, Niilo (2010). *Knowledge Warfare: Social Scientists as Operators of Global Governance*.
- Hartley III, Dean S., Kenneth O. Jobson (2021). *Cognitive Superiority: Information to Power* 1st ed.
- Lennon, Alexander T. J. (2003). *The Battle for Hearts and Minds: Using Soft Power to Undermine Terrorist Network*, The MIT Press.

